

و چون يك شعبه است از آن اداره
و همان کاری را که ما از آن می خواهیم
انجام خواهد داد

لذا برای تامین این مقصود بنده
این طور پیش نهاد کردم که نوشته
شود دولت شعبه مخصوصی بنام دفع آفات
حیوانی و سرم سازی در موسسه باستور
تهیه نماید

رئیس - رای می گیریم بمقابل توجه
بودن این پیشنهاد
آقایانی که قابل توجهش می دانند
قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
رای می گیریم بماده اول بترتیبی
که قرائت شد.

آقایانی که تصویب . . .
حاج آقا سمسار عیال عراقی - مجدا
قرائت شود:
(مجدا بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این ماده را
تصویب می کنند قیام فرمایند.
(اکثر نمایندگان برخاستند)
رئیس - تصویب شد ماده دوم
(بشرح آتی خواند شد)

ماده دوم - وزارت فلاح و تجارت و
فوائد عامه مجاز است که يك نفر متخصص
فنی بيطاری در حدود سالی چهار هزار تومان
از فرانسه اجیر نماید و کنتراست استخدام
مشار الیه باید بتصویب مجلس شورای
ملی برسد

رئیس - لفظ مجدا گویا زیاد باشد
آقای تدین
(اجازه)

تدین - بنده بعد از تصویب ماده اول
و اینکه مجلس شورای ملی اجازه میدهد
بدولت که شعبه مخصوصی ایجاد کند
ماده دوم رازائد میدانم برای این
که مجلس این اجازه را می دهد و هر وقت
که دولت لوازم این کار را تهیه کرد و
خواست يك نفری را استخدام نماید لایحه اش
را تقدیم مجلس خواهد کرد و مجلس هم
رای میدهد

بنابر این دیگر این ماده موردی
ندارد
رئیس - آقای عراقی
(اجازه)

عراقی - بنده هم فرمایش آقای تدین
را خواستم عرض کنم
رئیس - آقای یاسائی
(اجازه)

یاسائی - بنده هم همین طور
مقدم
رئیس - خوب رای می گیریم بماده
دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام
فرمایند

(عده کمی برخاستند)
رئیس - رد شد.
پیش نهادی شده است از طرف آقای
ضیاء الواعظین قرائت می شود
(پیش نهاد آقای ضیاء الواعظین
بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای
ملی
حقیر پیش نهاد می نمایم که دو ماده
ذیل بلایحه کمیسیون فوائد عامه علاوه
شود.

ماده سوم - یکی از قراء خالصه اطراف
برای شعبه مزبور تخصیص داده
خواهد شد
ماده چهارم - وزارت فلاح و تجارت
و فوائد عامه و وزارت مالیه و صبحه کل مملکتی
مأمور اجرای این قانون هستند.

ضیاء الواعظین - بیاناتی که راجع
بماده اول می خواستم عرض کنم بعنوان
يك نماینده بود حالاهم پیش نهاد کردم که
ماده دوم این لایحه که راجع بواگذاری
یکی از قراء خالصه اطراف تهران است
جهت امتحان و نگاهداری يك مقداری
گاو در آنجا برای تهیه سرم .

اگر آقایان باصل لایحه که از طرف
دولت بمجلس رسیده است توجه کنند
خواهند دید که در آن لایحه نوشته شده
بود یکی از قراء خالصه را دولت برای این
کار تخصیص خواهد داد بجهت این که
در آنجا يك مقداری گاو نگاهدارند و
سرم درست کنند و بتوانند سرم باندازه کافی
تهیه نموده باطراف مملکت بفرستند و
بعقیده بنده مادام که این شعبه در مؤسسه
باستور دارای چنین محلی برای نگاهداری
گاو زیاد نباشد ما آن استفاده ای که لازم
است از این مؤسسه بکنیم نمیکنیم .

این يك ماده ؟
ماده دیگری که بنده پیش نهاد کردم
این بود که وزارت فوائد عامه و فلاح و
تجارت و مالیه و صبحه کل مملکتی مأمور
اجرای این قانون می باشند و هر قانونی که
از تصویب مجلس می گذرد باید معلوم شود
کدام وزارتخانه مسئول اجرای آن قانون
است و اگر این قانون همین طور بدون يك
چنین ماده تصویب شود آنوقت مأمور اجراء
ندارد .

در صورتی که وزارت فلاح از نقطه
نظر ذراعت و وزارت مالیه از نقطه نظر مالی
و اداره کل مملکتی هم از نقطه نظر اینکه
حق دارد در امور صبحی مداخله نماید باید این
قانون را اجراء نمایند .

رئیس - آقای تهرانی
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی -
عرضی ندارم .
(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

رئیس - رای گرفته می شود بمقابل
توجه بودن پیش نهاد آقای ضیاء الواعظین
آقایانی موافقت قیام فرمایند .
(عده ای قیام نمودند)

رئیس - قابل نشد . ماده چهارم هم دیگر
صورتی ندارد .
آقا شیخ محمد علی طهرانی -
اجازه می فرمایید ؟

رئیس - راجع بچه مطلب است
طهرانی - راجع باینکه در اینجا
ماده اول نوشته شده در صورتی که باید
ماده واحده نوشته شود .

رئیس - ماده واحده می شود
در تالی دیگر رای گرفته نمی شود .
وکیل الملک - بنده در دستور عرض داشتم
رئیس - دستور جلسه آتی قانون
انتخابات است که از سابق معین شده .

معاون وزارت عدلیه - لایحه
راجع بتفسیر ماده ۲۳۸ اصول تشکیلات
عدلیه است که تقدیم میشود و سابقاً هم يك
لایحه راجع بتجدید کنتراست مسبو برنی
مستشار عدلیه تقدیم کردم چون يك نواقصی
داشت آنرا پس میگیرم و این لایحه را تقدیم
می کنم .

رئیس - اگر آقایان اجازه مبفرمایند
جلسه ختم شود .
بعضی از نمایندگان - صحیح
است .

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک
منشی - علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان

جلسه صد و هفتم
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه هیجدهم
جدی هزار و سیصد و سه
مطابق دوازدهم شهر
جمادی الثانیه هزار و
سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت و يك ربع قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
گردید .
(صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم
جدی را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی
هست یا نه؟ آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده بعد از تصویب
صورت مجلس عرض دارم

رئیس - در صورت مجلس مخالفی
نیست بفرمایید
آقا سید یعقوب - بنده خواستم آقایان
اعضاء محترم کمیسیون بودجه تذکر بدهم
که راجع بودجه سه آتی بدولت تأکید
کنند که مثل بودجه امسال نشود که نظریاتی
که در بودجه گرفته شده است عملی شود
خواستم تذکر بدهم که آقایان فراموش

نکنند .
رئیس - دستور امروز قانون انتخابات
است ولی قبلاً برای اطلاع خاطر آقایان
عرض میکنم که لایحه عوارض بلدی از
طرف دولت مسترد شده است

حائری زاده مخبر کمیسیون تجدید
نظر در قانون انتخابات
قبلاً لازم است يك جماعه را بعرض
آقایان برسانم که در مقدمه این راپورت
دلایل فوریت این قانون نوشته شده است
برای اینکه شش ماه بآخر دوره مانده باید
قانون انتخابات تمام شده باشد و حالاً تقریباً
يك سال بیشتر بآخر دوره باقی نمانده و
اگر بنا باشد دوشور شود تا شش ماه دیگر
تمام نمیشود و باید سه ماه قبل از شروع
انتخابات این قانون حاضر باشد که اهالی
کاملاً از آن مسبوق باشند باین واسطه از
طرف کمیسیون تقاضا شده است که مجلس
بدواً بفوریت این قانون رأی بدهد که يك
شور بیشتر نشود

رئیس - نمیدانم میشود بفوریتش رأی
داد یا نه؟ از ماده هفتاد و چهار نظامنامه چنین
برمیآید که نمیشود
(سه ماده از نظامنامه بشرح ذیل
قرائت شد)

ماده هفتاد و چهارم - در موقعی که لایحه
باطرح قانونی پیشنهاد میشود وزراء یا
صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند
از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آن را
راتصدیق نماید

ماده هفتاد و پنجم - این چنین تقاضا
بمقدمه که حاوی دلایل آن باشد اظهار
میشود و پس از آن مجلس در فوریت وعدم
فوریت آن رأی میدهد

ماده هفتاد و ششم - اگر مجلس
فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب
مزبور را یا بشعبات یا بیکمی از کمیسیون
های مربوطه آن که سابق تشکیل شده
رجوع می نماید .

نیز مجلس می تواند خود فوراً به آن
آن لایحه با طرح قانونی رسیدگی کند و
این در صورتی است که مخصوصاً در این باب
رأی داده شود .

رئیس - از اینجا همچو برمیآید که
وقتی که طرح یا لایحه پیش نهاد می شود
قبل از ارجاع آن به کمیسیون باید
فوریتش تقاضا شود نه بعد از برگشتن از
کمیسیون .

حائری زاده - چون این لایحه در
حکم لوایح و طرحهای دیگر نیست این
لایحه يك لایحه ایست که در مجلس
چهارم مطرح بوده و تقریباً دوشور هم شده
است و در این دوره يك عده از آقایان
نمایندگان تقاضا کردند به کمیسیون مراجعه
شود .

طرح قانونی نبوده است که درموقع
نکند .

طرح قانونی نبوده است که درموقع

پیش نهاد کردن فوریتش هم تقاضا شود از طرف دولت هم نبوده در نظامنامه هم منع نمی کنند که وقتی رایورث کمیسیون آمد تقاضای فوریت نشود کرد و گمان نمی کنیم اشکالی داشته باشد.

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بطوری که آقای حائری زاده اظهار کردند در این سه ماده یعنی مواد هفتاد و چهار و هفتاد و پنچ و هفتاد و شش چیزی نیست که مانع از این باشد و کمیسیون نتواند تقاضای فوریت نماید.

در ماده هفتاد و چهار مینویسد: در موقعی که لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آن را تصدیق نماید منتهی تا کثون همچو سابقه پیش نیامده که پس از رایورث دادن کمیسیون تقاضای فوریت نماید و چون بنده هم تصویب این قانون را هر چه زود تر لازم میدانم این است که تقاضا می کنم بفوریتش رای گرفته شود.

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - بنده تصور میکنم علاوه بر این موادی که از نظامنامه قرائت شد مسئله انتخابات يك مسئله مهمی است و در يك چنین مسئله مهمی نمیشود گفت چون در دوره چهارم درش شور شده است حالا هم در این دوره يك شور درش بشود این دو شور را بهم بچسبانیم.

این را بنده تصدیق نمیکنم و تصور نمیکنم خوب باشد.

انتخاب نمایندگان يك مسئله مهمی است و وکیل را باید انتخاب نمایند که بیاید در مجلس تأسیس قانون بکنند و با این ترتیب يك انتخاباتی که در کمیسیون نوشته شده است.

البته بنده کمال اعتماد را به اعضاء کمیسیون دارم و در يك شور بنده نمیتوانم بفهمم کجای این لایحه بد است و کجایش خوب است و تصور میکنم غالب آقایان هم با عقیده من همراه باشند که دو شور بشود.

رئیس - رای میگیریم... دست غیب - بر خلاف نظامنامه است.

رئیس - رای بفوریتش نمی گیریم که آیا میتوان بفوریتش رای گرفت یا خیر در واقع تفسیر است اگر رای دادید که کمیسیون میتواند مشارعظم - مطابق ذیل ماده هفتاد و شش میشود رای داد رئیس - اگر رای دادید که کمیسیون

میتواند تقاضای فوریت کند کمیسیون در هر موقعی ولو در بین شور هم باشد میتواند تقاضای فوریت بکند

مدرس - این خوب سابقه نیست رئیس - رای میگیریم که آیا میتواند بفوریت این لایحه رای بگیریم یا خیر آقایانی که تصویب میکنند ممکن است بفوریتش رای گرفت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. مذاکرات راجع بکلیات است. آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده اساساً با يك رشته اصلاحاتی که در قانون انتخابات بشود قبلاً موافق بودم ولی نه اینطور اصلاحاتی که کمیسیون تدبیر نظر در قانون انتخابات کرده است

بعقیده بنده این اصلاحاتی که در این قانون انتخابات شده آن مقصودی را که از اصلاح این قانون در نظر داشتیم به عمل نمیآورد یکی از چیزهایی که مورد نظر همه آقایان نمایندگان محترم هست این است که طوری قانون انتخابات تدوین شود که از نفوذهای نا مشروع جلو گیری شود و بنده در اصلاحاتی که در این قانون شده هر چه دقت کردم چنین ماده بنظر نیامد که از نفوذهای نا مشروع جلو گیری کند.

ما عادت کرده ایم باینکه وقتی قانونی بد اجرا میشود فوری حمله میکنیم بخود آن قانون بد است و حال آنکه بعقیده بنده اگر قانون بد خوب اجرا شود باز خوب است. قانون هر چه خوب نوشته شده باشد وقتی بد اجرا شود نتیجه مطلوبه از آن قانون بدست نیاید.

نفوذهایی که در انتخابات اعمال میشود از دو قسم خارج نیست يك قسم نفوذ هائی است که از طرف مأمورین دولت اعمال می شود و يك قسم هم نفوذ هائی است که از طرف اشخاص متنفذ محلی اعمال می شود.

آقایان فراموش کرده اند که نفوذ متنفذین محلی چه اندازه است فقط چسبیده اند بر رئیس پست یا تلگراف یا رئیس معارف محل و تصور کرده اند که رئیس پست فلان محل ممکن است اعمال نفوذ های نا مشروعی بکند که وکیل بشود ولی فلان خان یا فلان سردار یا فلان روحانی متنفذ در محل اعمال نفوذ نمیکند.

در صورتیکه اعمال نفوذ نا مشروع این قسمت بیشتر است و بعقیده بنده جلو گیری از این نفوذهای نغواهد شد مگر (حالا شاید این عرضی که میکنم برخلاف خیلی از مسالک سیاسی باشد) ولی بعقیده بنده باید انتخابات را

تخصیص داد باشخاص باسواد (بعضی از نمایندگان صحیح است) آقا سید یعقوب - آفرین بر این آزادی خواهی!

یاسائی - بنده آزادی خواه هستم و خیلی تند روتر از غالب شما ها هستم ولی این تند روی ها را غالباً دیده ایم که به حال مملکت ملامض است و بنده عقیده دارم که ایرانی خواهی میکنم... (همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

یاسائی - آقایان توجه فرمایند هر کس مخالف است بعد بیاید اینجا جواب بدهد.

بنده عقیده دارم که جمعیت ایران بده قسمت تقسیم میشوند و نه قسمت از آنها اشخاصی هستند که نمی فهمند چه میخواهند و چه می گویند و بعقیده بنده نمی توانند در امور اجتماعی شرکت کنند چرا برای اینکه خصم آنها از آنها استفاده میکند مادیده ایم توده های جاهل و راهای و دهاقین در این مملکت آلت دست خصم خود میباشند و اگر در انتخابات شرکت کنند معاندین آنها از آنها استفاده کرده و نتیجه می گیرند.

بنده عقیده ام این است اشخاصی که واسطه مستضعف بودن و بواسطه اینکه تشخیص نمیدهند رایی که میدهند برای چیست و نمی فهمند حکومت ملی یعنی چه و نمی فهمند در وره قرائشان اسمی را که می نویسند حکومت و سلطنت ملی خودشان را بدست آن شخص میدهند

نباید در امر انتخابات دخالت کنند زیرا بضرر خودشان است. بقول آقای مشیر لدوله ما همیشه باید فلسفه ها را فدای عمل کنیم.

مادر عمل می بینیم که این قبیل انتخابات بر علیه زارین و دهاقین تمام می شود و دیگران از آن استفاده می کنند این عقیده شخص من است که اگر انتخابات را تخصیص بدهیم به اشخاص باسود در تحت نفوذ واقع نمی شوند و در آنها تهدید و تطبیح کمتر اثر می کند و هیچ لزومی ندارد که فرضاً ما بگوئیم آقای حائری زاده از یزد بایست و سه هزار رای انتخاب شدند بگوئیم با دوهزار رای انتخاب شدند و به عقیده من این دوهزار رای و وزنش زیادتر از دویست هزار رایی است که يك نفر بنویسد و هزار تا هزار تا تقسیم کند.

در مملکتی که قراء آن باندازه اعضاء انجمن نظار باسواد ندارد و غالب جاهارا بنده سراغ دارم که بلوک گردی می کنند که هفت نفر پیدا کنند برای عضویت انجمن نظار.

چطور می شود اطمینان پیدا کرد يك چنین انتخاباتی بملایه ما بگوئیم انتخابات مغفی است و مغفی بودن انتخابات

با ترتیبی که در قدیم معمول بوده و هنوز هم هست منافی است زیرا اشخاصی که سواد ندارند چه میکنند؟

مجبورند در قه های سفید خودشان را بدهند باشخاص دیگری بنویسند در این صورت چطور انتخابات مخفی است؟ فلان کدخدا درده نشسته و یانصد رای بخط پسرش نوشته (چون خودش که سواد ندارد پهرش که تازه مکتب رفته و اسم نویسی را یاد گرفته)

معلوم است این کدخداهم با فلان متنفذی که فرضاً در شهر است مربوط است در این صورت این انتخابات بیل آن آن يك نفر تمام میشود.

عجالتاً بعقیده بنده با این ترتیب انتخابات اهالی شهرها که بیشتر از عقلا و اشخاصی هستند که می توانند در امور اجتماعی دخالت کنند از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند

من باب مثال یکی را عرض میکنم بهترین نمونه انتخابات مشهد است شهر مشهد حتماً از انتخابات محروم بودند زیرا اکثریت را دهات بردند من باب مثال عرض میکنم خود بنده را اشخاص انتخاب کرده اند که اکثریتشان دهاتی بوده اند و این مسائل را تشخیص نمی دادند و بنظر بنده باید انتخابات را تخصیص داد بسواد دارها. مادام که معارف در این مملکت توسعه پیدا نکرده. مادام که اشخاص يك اطلاعات سیاسی و اجتماعی کم و بیش پیدا نکرده اند و نمی فهمند مجلس یعنی چه و مفهوم حکومت و سلطنت ملی را نفهمیده اند و سالیان دراز دیگر هم نفهمند باید بی سواد ها در امر انتخابات دخالت نکنند.

زیرا آنها آلت دست اشخاص میشوند و بهر طرف می خواهند آن ها را سوق می دهند.

بعضی ما از حکومت های وقت شکایت می کنند (فرضاً مربوط به حکومت حاضر نیست) بطور کلی حکومت ها دولت ها در امر انتخابات دخالت هائی میکنند و تلگرافات رمزی مضایره می نمایند فلان کس را باید انتخاب کنید.

چه چیز از این قضایا جلو گیری می کند؟ همان که عرض کردم که انتخابات بسواد دارها تخصیص داده شود و با این ترتیب هیچ نفوذ محلی و مرکزی نمیتواند انتخابات را از جریان طبیعی باز بدارد

بهترین انتخاباتی که در دوره گذشته شده است انتخابات طهران بود که طبیعی ترین انتخابات بوده است برای این که مردم تهران سوادشان بیشتر است اطلاعات سیاسی و اجتماعی شان بیشتر است و آن رایی که مردم تهران داده اند غیر از يك قسمت دهات و اطراف طبیعی ترین آراء بوده است

باز هم عرض می کنم ضرر ندارد ما

فلسفه را فدای عمل کنیم به بینم چگونه می شود

ما در مقام فلسفه حق می دهیم به زارعین و دهاقین و غیره ولی در موقع عمل حقیقه حق با آنها ندادیم برای این که آنها نمی توانند از حق خودشان استفاده کنند و خصم آنها استفاده می کند

دیگر از اصلاحاتی که در این قانون شده است این است که خواسته اند در امر انتخابات تسریعی شده باشد تا مجال برای متنفذین باقی نماند که اعمال نفوذ کنند این است که قرار داده اند اعضاء انجمن نظار دو قسمت شوند

یک قسمت مشغول توزیع تعرفه باشند و یک قسمت مشغول اخذ رأی و به عقیده بنده مزار این ترتیب بیشتر است زیرا با ترتیب فعلی که اعضاء انجمن نظار فرضاً هفت نفرند وقتی دو قسمت شدند چهار یا پنج نفر آنها متصدی اخذ رأی می شوند و سه چهار نفر تعرفه می دهند و این برخلاف اصلی است که ما می گوئیم هیئت نظار باید هفت نفر باشند

دیگر این که در آن محل هائی که انجمن نظار مشغول توزیع تعرفه و اخذ رأی است يك تهاجم هائی می شود که برای انجمن نظار تولید اشکالاتی می کند و نمی تواند مراقبت خودشان را کاملاً اعمال کنند

بعقیده بنده يك هرج و مرج هائی در انجمن نظار تولید میشود و اگر بهمین ترتیبی که فعلاً معمول است هیئت نظار تماماً مشغول توزیع تعرفه بشوند و در يك موقع معینی هم کاملاً هویت تعرفه گیرها را تشخیص بدهند خیلی بهتر است و تفاوت این امر پنج روز الی ده روز است و بنده این طور فکر می کنم که شاید آقایان خواسته اند رعایت حال دهاقین و زارعین را در نظر بگیرند که مثلا فلان دهقان را که از فلان ده پیش می اندازند و می آورند برای گرفتن تعرفه

آنوقت يك روز دیگر هم باید برای دادن رأی بیاید و در نتیجه این بیچاره را دو روز معطل می کنند و از کارش بی کار می کنند و موجب استفاده طرفشان میشوند ولی وقتی که ما بخواهیم تخصیص بدهیم باشخاص با سواد که غالباً اهل شهرها هستند و در مراکز بولواکات هم يك عده اشخاص با سواد هستند دیگر این اشکالات را هم ندارد

زیرا آن دهقان سرکارش مشغول است و بیانش هم در دستش است و هیچ معنای حکومت ملی را هم نمی فهمد و هیچ لزومی هم ندارد

یک نفر از نمایندگان - این استبداد است

یاسائی - خیر استبداد نیست بنده عقیده ام این است که اساس مشروطیت محکم نمی شود مگر این که انتخابات را

اختصاص بدهیم به باسوادها و بنده را می شناسند که مسلکاً از اغلب شاهاندا جلوترم ...

آقای سید یعقوب - لفظاً **یاسائی** - بنده در مقام عمل دیده ام که متنفذین سوء استفاده از این قانون می کنند و علاوه بر این ترتیب با مخفی بودن انتخابات منافات دارد چه ضرر دارد اشخاصی که همین قدر می توانند اسامی را بخوانند و بنویسند دولت يك ورقه های مخصوص نشاندار بین آنها توزیع نماید و روی آن ورقه آنها در حضور نظار هر کس رأی خودش را بدهد و هیچ اشکالی هم ندارد و علاوه لزومی ندارد که سی هزار رأی باشد

یکی دیگر از چیزهائی را که بنده تصور می کردم آقایان اعضاء کمیسیون در نظر می گیرند و فراموش کرده اند یا چندان اهمیتی ندادند

این است که در غالب ولایات ایران از نقطه نظر این که خواسته اند يك تناسبی برای حوزه بندی ها قائل بشوند آمده اند دو حوزه حکومتی یا سه ولایت راضیمه یکدیگر کرده اند و شده است يك حوزه انتخابیه

مثلاً ملایر و نهاوند و نویسکان این سه ولایت را يك حوزه انتخابیه کرده اند و همینطور در ماوند و فیروز کوه بارفروش و آمل و تنکابن

را يك حوزه انتخابیه کرده اند و همچنین سمنان درامغان

تون و طبرستان و کن آباد اینها ولایات مختلفی و همین طور بزاز نمره و محلات کلیانگان و خوانسار اینها ولایات مختلفه و تقسیمات طبیعی شان هم جداست ولی در انتخابات شریکند

و در این جا معایبی که بعقیده بنده در قانون انتخابات هست این است که آمده اند يك جارا مرکز و اندهن اصلی قرار داده اند

ولی برای ولایات و حوزه های دیگر اندهن فرعی قائل شده اند

مثلاً برای ملایر یعنی دولت آباد اینجا يك انجمن مرکزی قائل شده اند اما برای نهاوند انجمن فرعی معین کرده اند و نهاوند و نویسکان را در عرض فلان ده خود ملایر قرار داده اند و بعقیده بنده میبایستی يك ترتیبی کرده باشند که اهالی دو پایه ولایتی که مشترکاً وکیل انتخاب می کنند در انجمن مرکزی هم شریک باشند

مثلاً ملایری سه عضو در انجمن مرکزی داشته باشد و نهاوند دو عضو داشته باشد و نویسکان هم يك عضو داشته باشد که انجمن مرکزی از اهالی ولایات مختلفه تشکیل شود زیرا مادیده ایم يك تبعیضات یا يك مظالمی اتفاق

می افتد به اسم اینکه يك عده از اهل يك محل جزوا انجمن مرکزی هستند و يك عده اهل محل دیگر جزوا انجمن فرعی در صورتیکه وقتی مقایسه می کنیم هیچ تفاوتی باهم ندارند

یکی دیگر از چیزهائی که خیلی مهم است و همیشه مورد مذاکره و مناقشه بوده است مسئله جعبه ها است و نمایانم آقایان فکری برای این مسئله کرده اند یا خیر؟

زیرا اگر ما این قسمت را در نظر بگیریم و توجهی به آن نکنیم ممکن است با این فورمالیته هائی که بعمل بیاید آخرش يك طوردیگر بشود و باید ترتیبی برای حفظ جعبه و صندوق های رأی در این قانون پیش بینی کرد که این صندوق های رأی در مراکز انتخابیه در آن مدتی که خوانده نشده است در تحت نظر که باشد و چه اشخاصی باید حافظ و ناظر این صندوق ها باشند

والا يك فورمالیته هائی و يك صورت هائی بعمل می آید و يك انتخاباتی می شود ولی آخرش يك چیزهای دیگری بیرون می آید و بالاخره بنده عقیده ام این است که کمیسیون باید این قسمت را در قانون انتخابات پیش بینی کرده باشد یکی دیگر از چیزهائی که در این قانون انتخابات هست و خیلی کش دار است و قابل تغییر و تفسیر است مسئله تهدید و تطمیع است

آقایان خوبست تهدید را تهدید کنند و يك مقامی برای تهدید و تطمیع قائل شوند که معلوم شود حدش تا کجا است یعنی مثلا بنده که می خواهم وکیل بشوم اگر گفتم آقایان وکیل تراش ها آقایان صالحین برای انتخاب اگر من بروم در پارلمان برای شما قوانین خوب وضع می کنم

جرح و تعدیل در مالیات ها می کنم. خط آهن برای شما درست می کنم. معادن شمارا استخراج می کنم. و چه می کنم. و چه می کنم.

آیا این هم تهدید و تطمیع است و از این قسمت ها هم باید جلوگیری کرد یا نه؟

و بنده معتقدم که این قسمت ها باید در قانون قید شود یا اینکه مثلا بنده برای اینکه دیگری را انتخاب نکنند میگویم فلان آدم فلان سابقه را دارد یا از فلان قسمت و فلان تپ است

و اگر او را وکیل بکنید مضرات زیاد دارد و برای شما چنین و چنان می کند

آیا این هم تهدید و تطمیع است؟ و بنده معتقدم که میبایستی بعد از کلمه تهدید و تطمیع يك توضیحاتی هم داده شود که يك معنای واضح و روشنی ازش فهمیده شود.

ما بطور کلی وقتی که در شعب بودیم

و بدو سیه انتخابات مراجع میگردیم و ایورتهارا میخواندیم می دیدیم شکایت کردند و تطمیع شده است آن وقت در شعبه در این باب مباحثه زیادی کردیم می گفتیم تهدید و تطمیع معانی زیادی دارد ممکن است این قسمت باشد.

ممکن است آن قسمت باشد و اینکه بطور مطلق شکایت کرده اند که تطمیع شده این معلوم نیست و مطابق این شکایت وارد نیست و در میگردیم در صورتیکه شاید بمعنای خود هم بوره ولی در معنای آن اختلاف و اینست این بود که اصل موضوع از بین میرفت و شکایت هم قابل توجه نمی شد و دیگر از چیزهائی که میبایستی در این قانون پیش بینی بشود و تجربه گذشته هم بجا آورده است و لزوم قید آن را تأیید می کند.

این است که اگر حکومت های وقت يك مسامحه و تغافل ها و تأخیر انداختن هائی در انتخابات کردند مجلس با آنها معامله باید بکند

یا اگر انتخابات را توقیف کردند و تمیضاتی دریس و پیش انداختن انتخابات نقاط و ولایات برای تهیه زمینه ها بعمل آورند چه باید کرد

مثلاً فلان ولایت فوراً انتخاباتش شروع میشود ولی يك ولایت دیگری شش ماه طول میکشد و يك تبعیضات و تقدیم و تأخیر هائی در امر انتخابات میشود یا اینکه حکومت محل بواسطه نظریات خصوصی بدون اینکه مسؤولیتی داشته باشد انتخابات فلان نقطه را بناخیز اندازد.

یا اینکه يك توقیفهای خلاف قانونی مینماید و در همین انتخابات دوره پنجم ملاحظه فرمودید که انتخابات خیلی از جا هارا بدون جهت توقیف کردند و بعد از توقیف خارج شد.

مثلاً انتخابات رفسنجان که آقای آقا میرزا شهاب نماینده آنجا هستند انتخاباتش تمام شده بود ولی وقتی که خواسته اند اعتبارنامه بایشان بدهند انتخابات آنجا بدون اطلاع دولت توقیف شد و علتش هم همین بوده است که مثلا حاکم محلی اینطور دلش خواسته است علی ای حال بعقیده بنده کمیسیون محترم تهدید نظر در قانون انتخابات باید فکری برای جلوگیری از این قبیل قضایا بنماید که وقتی موقع انتخابات شد.

بلافاصله در تمام نقاط مملکت بدون تأخیر شروع شود تا اینکه يك فترتهائی پیش نیاید و اینکه نوشته اند شش ماه باخر دوره مجلس مانده باید انتخابات شروع شود بعقیده بنده این تذکره هم بازان قسمت ها را تأمین نمی کند.

زیرا وقتی يك دولتی یا يك حکومتی میل نداشته باشد ممکن است شش سال هم عقب بیفتد و باید در این قانون يك مسؤلیت

هائی برای دولت ها و بالخصوص حکام قائل شده که اگر در انتخابات تهران و سستی کردند بعد با آنها چه ترتیب باید رفتار کرد؟ یکی دیگر از چیزهائی که گمان میکنم

در دوره چهارم هم موضوع بحث بوده است و در اینجا تکلیفی برای آن معلوم نکرده اند مسئله معروفیت محلی است و این هم بعقیده بنده يك مسئله کش دار است که میشود معانی زیادی برایش درست کرد و میبایست آقایان توضیحاتی در اطراف مسئله معروفیت محلی بدهند.

زیرا مثلا ما کدونا که در غالب ایالات ولایات ایران معروف است و هر کجا برویم میگویند ما کدونا رئیس الوزرائست که از طرف کارگران تعیین شده بود و این معروفیت محلی نیست و بعقیده بنده باید توضیحاتی در پهلوی این عبارت معروفیت محلی نوشته شود که معروفیت در محل چه معنایی دارد یا معروفیت در مرکز و در ایران چه معنایی دارد و الا خیلی اشخاص هستند که اسمشان در اغلب نقاط معروفست ولی معروفیت محلی ندارد و بعقیده بنده معنای معروفیت محلی عبارت از شناسائی کامل باخلاق و صفات آن کسی است که در نظر میگیرند انتخاب کنند و علاوه يك قیدی هم در قانون انتخاب بود که اینجا قید نشده است و آن این است که وکیل باید مدتی در محل توقف نماید.

برای اینکه وکیل معروفیت در محل داشته باشد و مو لاین با فکار و اخلاق سیاسی او آشنا بشوند و همین طور برعکس نماینده هم باید از اخلاق و رسوم و عادات و وضعیات جغرافیائی محل کاملاً اطلاع داشته باشد و تپها را بشناسد و اگر يك وکیل نشناسد آن دو تپ دو دسته که در محل با هم مباحثه و مناقشه میکنند مبتنی بر چیست. ممکن است يك اقداماتی برخلاف مصلحت آنها بنماید و اگر دانست که تپ های مختلفی که در محل هستند چه نوع اخلاق و صفاتی دارند و بدو خوب وزشت و زیبای آنها را تشخیص داد آن وقت دیگر خط نمیکند.

مثلاً بنده خوب میدانم که احتیاجات یزد چیست برای اینکه اصلاحات یزد هستم و وطنم هم آنجا است و کاملاً از جریانات و وضعیات جغرافیائی و اخلاقی آنجا اطلاع دارم ولی از آذربایجان اطلاع ندارم و حال اگر بنده از زنجان یا سبزوار وکیل شدم بعقیده بنده خیلی بی مناسبت است برای اینکه سبزوار و بنده هیچ بهم مربوط نمی شود.

دیگر از چیزهائی که خیلی مهم بوده است و توجه آقایان بیشتر متوجه آن بوده است مسئله حوزه بندیها است که آقایان بکلی فراموش کرده اند یا عجله داشته اند که رود تر را بپورت را بمجلس بیاورند به

این جهت در این راپورت نوشته اند که مجلس اختیار بدهد بکمیسیون تا کمیسیون حوزه بندی کند

یعنی مجلس حق ندارد در این تقسیم بندی و جدول بندی دخالت کند در صورتی که این حق مجلس است

مطابق قانون اساسی عده نمایندگان مجلس شورای ملی صد و شصت و دونفر معین شده است و ولدی الاقتصاً تا دیوست نفر هم می توانند معین کنند

و مطابق قانون اساسی باید صد و شصت و دونفر نمایندگان ایران در این مجلس بیابند و بنده نمایانم روی چه اصلی آمده اند صد و سی و شش نفر معین کرده اند و این تقسیم بندی هائی که سابقه شده است هیچ عادلانه نبوده است و باید آن تقسیمات را بهم زد و يك تقسیمات عادلانه تری درست کرد و آن بیست و شش نفر وکیل را علاوه کرد

و معادل همان صد و شصت و دو نفر وکیل برای ایالات و ولایات و مرکز منظور کرده يك اصلی را آقایان در نظر گرفته اند

(بنده شنیده ام ولی جایی ندیده ام که مدون شده باشد)

میگویند هر صد هزار نفر جمعیت باید يك وکیل بدهد

خوب اگر اینطور است باید طهران سه نفر وکیل بدهد از این قرار چه مناسبت مشهد چهار وکیل بدهد

اصفهان باید شش نفر وکیل داشته باشد هیچ تناسبی در این حوزه بندی ها ملحوظ نیست و باید تجدید نظری در حوزه بندی ها نمود و آقایان اعضاء کمیسیون باید تقسیمات آن را در نظر بگیرند و راپورت آن را بمجلس بیاورند و رأی بدهند و هر چه اکثریت حکومت کرد البته مصاب است و دیگر بیش از این عرض ندارم

مخبر - فرمایشاتی را که آقای یاسائی فرمودند و این اعتراضاتی را که نسبت بکلیات فرمودند در واقع يك اعتراضاتی بر مراد بود و ممکن بود در موقع شور در مراد فرمایشات خودمان را بفرمایند و در بعضی از آنها بنده هم شخصاً با ایشان موافقم و البته اگر مجلس موافقت کند کمیسیون هم مساعدت خواهد کرد

ولی این یکی دو فقره اعتراض که راجع به تنظیم جدول فرمودند که دوسه محل را بیکدیگر منضم کرده اند هنوز جدولی تنظیم نشده است

این اعتراض در واقع نسبت بقانون پیش وارد است و همین اعتراض باعث شد که تجدید نظر در قانون انتخابات را لازم دانستند

و تئی که این قانون در کمیسیون مطرح شد ما يك اطلاعاتی از روزارت داخله

خواستیم و چون از وزارت داخله هم از ولایات تحقیقاتی شده بود هنوز نتیجه آن تحقیقات بوزارت داخله نرسیده بود صد و سی و شش نفر نوشته شد

ولی بعد کمیسیون عقیده پیدا کرد که صد و سی و شش نفر وکیل کافی نیست و باید بر عده نمایندگان افزوده شود که در موقع تنظیم جدول بعضی از نقاط مظلوم واقع نشوند مثل کرمان ، اصفهان و غیره و در این موضوع هنوز کمیسیون يك تصمیم قطعی در نظر نگرفته تا بمعرض مجلس برساند

هر وقت راپورت آن تقدیم مجلس شد البته آقایان اعتراضات خودشان را خواهند فرمود.

اما اینکه فرمودند قانون اساسی عده نمایندگان را صد و شصت و دو نفر معین کرده و حالا صد و سی و شش نفر است و این مخالف قانون اساسی است . این طور نیست .

در فاصله بین مجلس اول و دوم يك کمیسیونی در طهران تشکیل شد که تجدید نظر در قانون انتخابات بکند و چون دیدند مخالف قانون است لذا مراجع کردند به انجمن های ایالتی و ولایتی و تقریباً راجع به آراء عمومی بعمل آمد و آنها اختیارات خود را تفویض کردند به انجمن ایالتی آذربایجان و خواستند در چند اصل از قانون یکی از آنها هم همین مسئله بود که آن هاصد و بیست نفر وکیل پیش بینی کرده بودند ولی مجلس بعد صد و سی و شش نفر را لازم دانست

و این مجلس هم ممکن است صد و پنجاه نفر را لازم بداند و هیچ منافاتی هم با قانون اساسی ندارد

پس این اعتراض آقا وارد نیست نسبت بسایر اعتراضات هم هر وقت مواده بمجلس آمد و ایشان اعتراضات خودشان را نمودند البته جواب داده خواهد شد.

(جمعی از وکلا گفتند مذاکرات کانیست . بعضی گفتند : کافی نیست)

رئیس - رای می گیریم آقایانی که مذاکرات را کسافی می دانند قیام فرمایند .

(جمعی از نمایندگان قیام کردند)

رئیس - اکثریت است

مخبر - يك جمله را لازم است بمعرض آقایان برسانم در بعضی از مواد قانون انتخابات کمیسیون تجدید نظر نکرده و از این شصت و هفت ماده اش تجدید نظر شده است و کمان می کنم نسبت ببودی که تجدید نظر نشده مذاکره لازم نباشد و مذاکرات فقط نسبت بموادى که تجدید نظر شده است باید

شود .

رئیس - اینجا بطور کلی رای داده شد که در کلیه قانون انتخابات تجدید نظر شود .

پس تمام مواد باید مطرح شود . آقایانی که تصویب می کنند در مواد شور شود پیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند) (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی ایران در کلیه مملکت ایران بطور یکدرجه و مستقیم است

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بعقیده بنده در اول باید کلمه (مخفی و متناسب) ضمیمه شده باشد .

در جای دیگر در ماده هفتم نوشته اند مخفی خواهد بود .

ولی بعقیده بنده جایش در ماده اول است و باید نوشته شود :

انتخابات مجلس شورای ملی در کلیه مملکت ایران بطور يك درجه و مستقیم و متناسب و بطور مخفی است

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - بنده موافقم و عرض می کنم که کلمه (مخفی) در ماده هفتم ذکر شده است و راجع به تناسب هم در سایر مواد ذکر شده است لذا تکرارش لزومی ندارد .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - در ماده اول عرض ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانیست

رئیس - ماده دوم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - در معالمانی که موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب يك نفر نماینده دارند انتخاب فوری عمل می شود و در معالمانی بیش از يك نفر نماینده باید انتخاب نماینده جمعی خواهد شد

توضیح - مراد از انتخاب جمعی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در دوره رای بدهد مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص می نویسند و مراد از انتخاب فردی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در دوره رای اسم يك شخص را می نویسند .

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - عرضی ندارم

رئیس - ماده سوم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۳ - انتخاب نمایندگان با کثرت نسبی است.
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده خیلی تعجب میکنم از اینکه آقای یاسائی در ضمن کنیات یک شرطی را برای انتخاب کنندگان قائل شده و دلایل اقامه کردند که در ضمن آن دلایل اینطور اظهار شد که چون درده نفر نه نفر سواد ندارند لذا حق ندارند در امر انتخابات و حکومت ملی شرکت کنند
 والا معنی ندارد من که یک نفر هستم از شما که پنج نفر شدید اطاعت کنم ولی ما ما اگر خواسته باشیم اکثریت تام را مناط اعتبار قرار دهیم دچار زحمت خواهیم شد در مجلس شورای ملی که عقلای قوم تجمع میکنند همین چند روز راجع بدو سه مسئله گرفتار اشکال شدیم چند مرتبه هم رأی گرفتیم و بالاخره اکثریت تام پیدا نشد و قضیه بلا تکلیف ماند و اگر خواسته باشیم در انتخابات معتقد با کثرت تام شویم هیچ وقت مجلس شورای ملی در این مملکت تشکیل نخواهد شد
 بنابراین بنده معتقد و موافقم که این ماده که در قانون پیش بوده و کمسیون هم در آن دخالتی نکرده است باید بحال خود باقی باشد و نباید آنرا تغییر داد.
رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود.
 (بشرح آتی خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم بر ماده ۳ اضافه شود بشرط آنچه آراء نماینده کمتر از نلت کل عده آراء نباشد
 محمد هاشم میرزا بنده پیشنهاد میکنم ماده سیم باین ترتیب اصلاح شود.
 انتخاب نمایندگان با کثرت نسبی است مشروط باینکه عده آراء نسبی لا اقله - اوی یک ربع مجموع آراء باشد.
رئیس - ارسال میشود بکمسیون.
ماده چهارم قرائت میشود (باین شرح خوانده شد)
 صد هزار نفر جمعیت داشته باشد و از این صد هزار نفر باستانی صغار و اشخاص که قانوناً ممنوع از رأی دادن هستند اقلاده هزار نفر به آن و کیل رأی میدهند.
 در صورتی که با اکثریت نسبی ممکن است یک کسی با پنجاه رأی یا شش رأی گاهی دورای و کیل بشود البته یک کیلی که با دورای و کیل می شود نمی شود گفت این و کیل جامعه ملت ایران است بنابراین بنده مخالف با اکثریت نسبی هستم و معتقدم که اکثریت نسبی تبدیل به اکثریت تام شود تا حقوق مردم محفوظ باشد

و کیلی هم که به مجلس می آید و کیلی حقیقی و واجد شرایط بوده باشد والا اکثریت نسبی آن معایب را دارد که عرض کردم
مخبر - این فرمایشاتی را که آقای تدین فرمودند اصولاً صحیح است ولی باید راه عملی پیدا کرد.
 راست است که اکثریت بر اقلیت و بر مقدرات یک جماعتی دخالت و حکومت کند خوب نیست ولی چون چاره راهی غیر از این پیدا نشده است لذا چاره جز اینکه حکومت را بدست اکثریت بدهیم نداریم این اصل را قانون اساسی معین کرد که اقلیت باید از اوامر اکثریت اطاعت کند.
 این جا شده که ایلات عده موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام یک نماینده مستقیم به صورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشد در جزو حوزه که هستند رأی خواهند داد.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
 بنظر بنده این قیدی که در این جا شده که ایلات عده موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام یک نماینده مستقیماً به صورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده در جزو هر حوزه که هستند رأی خواهند داد.
 نپیدانم آقایان چه نظری دارند می خواهند بنمایند گمان ایلات توسعه بدهند یا خیر؟
 مطابق حوزه بندی قانون سابق ایلات، قشاقی و ترکمان و بختیاری و شاهسون و ایلات خسه این پنج ایل که نسبتاً مهمند هر کدام حق یک و کیل دارند ولی اینجا باید معین شود که ایل عده و مهم کدام است والا بعقیده بنده ایل سنجابی و کهر که در اطراف کرمانشاهان سکنا دارند آنها باید نماینده در مجلس داشته باشند و همین زعفران لو که در اطراف خراسان پراکنده اند باید یک و کیل داشته باشند.
 بعقیده بنده باید عده بودن ایل را توضیح داد که یک ملک و مدرکی داشته باشد.
رئیس - آقای اشگر (اجازه)
اشگر - آقای یاسائی از قرار معلوم در اصل ماده مخالفی نداختند فقط در موضوع تشخیص عده بودن ایل مذا ارم فرمودند بنده گمان میکنم تشخیص عده بودن یک ایل بسته به جمعیت آن ایل است البته هر ایل که بیشتر جمعیت دارد بیشتر حق دارد در انتخابات دخالت و شرکت کند و به همین ملاحظه هم در دوره اول که قانون انتخابات وضع شد برای پنج ایل بزرگ که جمعیت آنها نسبتاً زیاد بود حق و کیل معین شد و این ایلات دیگری که اسم بردند از حیث جمعیت خیلی کمترند از آن ایلاتی که برای شان حق و کیل معین شده است البته در مملکت برای تعیین و کیل باید یک ملک و مدرک معینی در بین باشد.
 مملکت ما که تقریباً دارای سی کرور نفوس است وقتی بنشیند صدوسی و شش نفر و کیل داشته باشد تقریباً از لحاظ تناسب برای هر صد یا نود یا هشتاد و پنج هزار نفری یک و کیل معین شده است و البته باید ملک مهم بودن و عده بودن یا نبودن یک ایل را از روی همین تناسب معین و معلوم کرد و آن هم با تصویب و رأی مجلس شورای ملی خواهد بود که یک عده معینی را برای ملک و مدرک انتخاب نماینده معلوم کند.
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیر وانی - عرض میکنم بعضی از آقایان در گذرانیدن این قانون عجله دارند در صورتیکه صحیح نیست بدون مطالعه و به فوریت یک چنین قانون همی بگذرد.
 زیرا اساس مشروطیت و حکومت ملی ما بر روی این قانون است و بعقیده بنده اگر این قانون این یک سال عمر مجلس را هم بگیرد ولی خوب بگذرد بهتر است از اینکه فوری ولی بد بگذرد نظر بنده در مخالفت با این ماده عیناً مخالف با نظریه آقای یاسائی است اولاً اگر بخوایم از روی عده نفران برای ایلات و کیل معین کنیم یک ظلی می شود.
 پنج ایل که عده اش را صد هزار نفر تعیین کرده اند آنهم سر شماری نشده و شاید خیلی بیشتر از این باشد برای هر کدام یک و کیل قائل شده اند ولی برای ایلات حق و کیل ملحوظ نشده است و بعقیده بنده این است که اساساً هم برای مراعات حق رأی ایلات هم برای اینکه ایل را از شهری جدا نکرده باشیم (زیرا همه ایرانی هستیم) خوب است ایلات تقسیم شوند بر ولایات و در این صورت ممکن است یک ایل دو یا سه و کیل برد و اگر ما این فکر اساسی را تعقیب کنیم می بینیم که این ترتیب منافس زیادتر است از مضارش.
 وقتی نباشد که ایل بختیاری در دهان و حوزه هائی که در آنجا ساکنند بروند و رأی بدهند بحق خودشان میروند و شاید بجای یک نفر دوسه نفر و کیل با کثرت ببرند و به علاوه حقشان هم با سایر افراد مملکت مساوی خواهند بود و سایر ایلات هم که هنوز به ایشان تعیین تکلیف نشده است به همین ترتیب از این حق استفاده میکنند یعنی ایلات این مملکت هم جزء افراد این مملکتند و مثل تمام افراد این مملکت باید شرکت کنند و در هر خطه از مملکت هستند در تمام انتخابات آن خطه حق دارند شرکت کنند ولی اینکه جدا ما و کیل بشویم اساساً صحیح نیست.
رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)
محمد هاشم میرزا شیخ رئیس آن وقتی که این قانون در چهارده سال قبل گذشت علت اینکه این ایلات مخصوص را جدا کردند این بود که اینها چون بیلاق و قشلاق دارند و انتخابات هم موقع معینی ندارد ممکن است این بختیاری یک وقت نزدیک اصفهان باشد یا یک وقت نزدیک عربستان همین طور ایل قشاقی به این جهت حوزه انتخابیه در محل معینی برای آنها معین نشدوا اگر هم بخوایم آنها را مجبور کنیم که در هر محلی هستند در همان حوزه انتخابیه آن محل شرکت کنند این برخلاف ترتیب است باین جهت این چند ایل را جدا کردند و اگر چنانچه این مسئله را در نظر نمی گرفتند شاید اسباب اشکال

میشه و البته ایلات هم مثل سایر اهالی مملکت می باشند و باید محروم از انتخابات نشود و اگر غیر از این بود اسباب اختلال در امر انتخابات آنها میشد.
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفتند بلی کافی است)
(ماده ششم شرح ذیل خوانده شد)
 جریان انتخابات عشایر و ملل متنوعه مثل سایر انتخابات است فقط تعیین مرکز حوزه انتخابیه عشایر یک حق انتخاب یک نفر نماینده را دارند و وزارت داخله خواهد نمود (ج)
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - عرضی ندارم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیر وانی - عرضی ندارم
رئیس - آقای آریاب کبخسرو (اجازه)
آریاب کبخسرو - اگر چه این جا مقصود از ذکر ملل متنوعه در واقع مقصود این نیست که زردشتی ها و مسیحی ها یا کلیبی هائی که در این مملکت هستند جزو این مملکت نیستند بلکه بعقیده بنده همه اهل این مملکت و یک ملت محسوب میشوند و اگر لفظ دیگری ممکن بود بجای ملل متنوعه (که همه خودشان را تابع یک دولت و اهل یک مملکتی می دانند و کاملاً مطیع قوانین این مملکت هستند) پیدا کنند که خیلی معنون تر می شدیم و همین آوردن قسمتی که راجع بعشایر ذکر کرده اند تعیین مرکز حوزه انتخابیه با وزارت داخله خواهد بود تصوری کنم برای آنها برای این که آنها هم هر کدام شان از یک ولایت یا ایالت خاصی انتخاب می شوند
 حالا اگر در آن حوزه بندی که می شود این مسئله رعایت و ملاحظه می شود بنده عرضی ندارم والا لازم است تکلیف مرکز حوزه انتخابیه آنها هم در این جا مشخص داده شود.
مخبر - در خصوص فرمایش آقای آریاب کبخسرو راجع بملل متنوعه اگر یک کمیسیون هم موافقت میکنند می پذیرد ولی آن قسمتی که مرکز حوزه انتخابیه عشایر را بختیاری و وزارت داخله گذارده اند برای این بوده در جدولی که معین شده چون ملل متنوعه در شهرهای مختلفه سکونت دارند در این جدول مرکز حوزه انتخابیه و شیب انتخابیه که برای آنها لازم است

معلوم شده
 ولی برای عشایر چون بیلاق و قشلاق دارند نمیشود یک مرکز خاصی برای آنها معین کرد
 باین جهت بعده وزارت داخله گذارده شده که وزارت داخله اگر در موقع تابستان است در هر محلی که زیاد تر هستند و اگر در زمستان است در آن موقع هم در هر محلی که زیاد تر سکنی داشته باشند انجمن مرکزی انتخابات را در آنجا معین کند
 بنابراین راجع با ایلات در جدول نمیشود پیش بینی نمود
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - اگر چه بنده عضو کمیسیون هستم ولی چون عقیده خودم را در آنجا اظهار کرده و در اقلیت واقع شدم در این جا هم تکرار میکنم بنده عقیده ام این است که ماده شش زائد است بواسطه این که عشایر و ملل متنوعه باین تعبیر که هست بدست زیراملل متنوعه هم جزء همین مللند
 یک جا ملل متنوعه - سه یک جا عشایر ذکر کردن مثل این است که بگوئیم دو دوتا چهارتا و بعقیده بنده اساساً ضرورتی ندارد این مسئله نوشته شود چون همه یک مللند
 این استثنائی را که این ماده قائل شده است بین ملل متنوعه و عشایر و سایر افراد این مملکت زائد است و بنده عقیده دارم قانون انتخابات بدون استثناء باید باشد راجع بهر که می خواهد باشد
 بنابراین این قید زیادی است و اسباب اشکال و سوء تعبیر خواهد شد
 اگر آقای مخبر محترم قبول بفرمایند خوب والا پیشنهاد می کنم
مخبر - آقای نماینده محترم بوشهر همین فرمایشات را در کمیسیون فرمودند اما راجع بکلمه ملل متنوعه این کلمه نیست که ما اختراع کرده باشیم و کلمه خوبی هم هست اگر چیز دیگری بنظرشان می رسد بفرمایند ما هم قبول می کنیم
 ولی راجع با انتخابات عشایر سابقاً این شکل نبوده مخصوصاً راجع بعشایر اینها نشان عشیره ای بود که رؤسای ایل جمع می شدند و یک نفر را انتخاب می نمودند و اعتبارنامه بدستش می دادند و می فرستادند و مثل شهرها نبود
 از این جهت تصریح شد که جریان قانون در همه جا مثل هم باشد و آنها هم یاد بگیرند آنطوری که در شهرها هست و اصول مساوات بین ایل بیکی و خان و سایرین مراعات شده باشد باین نظر اینطور نوشته شده
 (بعضی گفتند - مذاکرات کافی است)

سر دار عشایر - خیر کافی نیست
رئیس - آقای سردار عشایر بین اشخاصی که اجازه خواسته اند هفتی هستند
سر دار عشایر - بنده در این جایز حق هر وقت اجازه بفرمایند صحبت می کنم
رئیس - آقای دست عیب (اجازه)
دست عیب - لفظ ملل متنوعه یک لفظی است اصطلاحی و معنی اش این نیست که ملل متنوعه جزء ملت ایران نیستند
رئیس - موافقید با ماده
دست عیب - خیر مخالفم خواستم کلمه ملل متنوعه را معنی کنم
رئیس - مخالفتان را بفرمائید
دست عیب - بسیار خوب علی ای تقدیر کلمه ملل متنوعه یک اصطلاحی است و اما آن قسمتی که بنده با آن مخالفم با این عبارت است که می گویند فقط تعیین مرکز حوزه انتخابیه عشایری که حق انتخاب یک نفر نماینده را دارند با وزارت داخله خواهد بود
 این را بچه فلسفه اختیار تعیین مرکز را بوزارت داخله دادند برای خاطر این که ایل یک قشلاق و بیلاقی دارد و موقع انتخابات اگر در قشلاق یا بیلاق باشد این ممکن است اسباب اشکال شود
 مثلاً وزارت داخله میلس نکشد در آنجا انتخابات را شروع کند و چون در موقعی که انتخابات در جریان است حتماً باید در آن موقع انتخابات آنجا را شروع کنند اگر میلس نکشید تکلیف چیست؟
 و بنده با این قسمت مخالفم بعقیده ام این است در عرض این جمله حوزه قشلاق یا بیلاق را معین کنند و بوزارت داخله نباید اختیار را وا گذاشت
رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)
شیخ رئیس - به همان ادله که عرض کردم تعیین مرکز حوزه انتخابیه عشایر بایستی با وزارت داخله باشد و راجع به کلمه ملل متنوعه هم گمان می کنم خیلی اشتباه شده است این کلمه از نقطه نظر سیاسی معین نشده بلکه از نظر مذهبی نوشته شده برای اینکه سره تفاهم نشود ممکن است تصریح شود ملت بهود
 زردشت
 برای این که رفع اشکال بشود والا این جا مقصود ملل مذهبی است که معلوم باشد و بنده در این خصوص پیش نهادی هم کرده ام و تقدیم می کنم
رئیس - شاهزاده محمد ولی میرزا مخالفند؟
 محمد ولی میرزا - بلی.
رئیس - بفرمائید.
 محمد ولی میرزا - بطوریکه آقای دست عیب اظهار کردند و یک قسمت از

مراض بنده را هم فرمودند بنده هم این ماده را اصلاحاً میدانم و این مذاکراتی که در اطراف این ماده میشود اساساً ضرورت ندارد
 که کمیسیون یک ماده باین طریق وضع کند که این قدر مورد بحث و مذاکره واقع شود و بطوری که بعضی از آقایان فرمودند عشایر ولایات مرکز آنها کاملاً معلوم است در قشلاق و بیلاق هر کدام مرکزی دارند معین و بنده میدانم مثلاً مرکز دیگری ندارد ولی نمی ندارد کمیسیون یک ماده برای این مسئله وضع کند در همان جدولی که تنظیم میکنند ممکن است در آن جدول برای اطلاع خاطر نمایندگان مرکز انتخاب ایلات را هم معین کند و بتصدیق وزارت داخله هم لزومی ندارد که در موقع انتخابات بوزارت داخله مراجعه کنند و وزارت داخله هم بحکم مراجعه کند و از آنها استیضاح کند
 این تفصیلات هیچ لازم نیست مراکز آنها هم معلوم و روشن است علاوه اینکه گفته میشود وزارت داخله باید تعیین مرکز انتخابات را بنماید شاید (فرض است) و معال هم نیست
 ممکن است وزارت داخله یک جهائی تسامح و تحمل در انتخابات آنجا بکنند و حوزه را که باید مرکزیت پیدا کند و در آنجا انتخابات عشایر جریان داشته باشد معلوم نکند که کدام حوزه است اگر اینطور بشود ممکن است عشایر محروم از انتخابات شوند و ضرورتی هم ندارد نوشته شود و بنده اساساً با این ماده مخالفم و پیشنهاد هم کرده ام این ماده حذف شود.
 مخبر - این نظری را که کمیسیون داشته است با موافقت نماینده وزارت داخله بوده که این نظر را گرفته است و قانوناً انتخابات ملل متنوعه و عشایر یعنی تعیین مرکز انتخابات سابقاً با وزارت داخله بوده و در انتخابات سابقاً با وزارت داخله بوده و در آنها نسبت بملل متنوعه معین کند اما راجع بعشایر نماینده وزارت داخله در کمیسیون گفت که ما نمیتوانیم تعیین کنیم اینها کدام نقطه باید انتخاباتشان بجز بیلاق و قشلاق دارند و باید مرکز را در آنجا تعیین کنیم بیشتر در آن جمع میکنند فراردهیم و در سایر نقاط شب معین کنیم و در فصول مختلفه هستند نمی شود برای اینها حوزه انتخابیه در جدول معین کرد
 ولی برای این کار اگر آقایان اطلاعات بیشتری دارند خوبست بنویسند بفرستند

بکمیسیون ویا نماینده وزارت داخله هم مذاکره شود

اگر نتوانستند قبول میکنند ولی در صورتیکه نتوانیم تعیین جدول کنیم در این صورت مجبوراً باید اختیار را بدولت داد .

(جمعی از نمایندگان گفتند- مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است؟
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .
(بشرح ذیل خوانده شد)

۱- بنده پیشنهاد میکنم ماده شش بترتیب ذیل نوشته شود .

ماده ۶- جریان انتخابات عشاير و همچنین زردشتیان و آرامنه و کلیمیان ایران مثل سایر انتخابات فقط تعیین مرکز حوزه انتخابیه آنان با وزارت داخله خواهد بود شریعت زاده .

۲- حقیر پیشنهاد مینمایم که در ماده شش از قانون انتخابات حذف شود ضیاء الواعظین

رئیس - پیشنهاد شاهزاده شیخ رئیس قرائت میشود .

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس - بنده پیشنهاد را عوض میکنم .

رئیس - آقایان کازرونی و شاهزاده محمد ولی میرزا هم پیشنهاد کرده اند این ماده حذف شود .

پیش نهاد آقای شیروانی .
(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده شش اینطور اصلاح شود .

ماده شش- جریان انتخابات زردشتیان و کلیمیان و مسیحیان مثل سایر انتخابات است .

رئیس - پیش نهاد شاهزاده شیخ رئیس .

(بشرح آتی خوانده شد)

در عوض ملل متنوعه نوشته شود ایرانیان زردشتی کیش و ایرانیان پیروان آئین مسیح و ایرانیان اهل توریه .

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده هم پیش نهادی داده بودم قرائت نشد .

رئیس - بلی .
آقای عراقی و آقای تقی زاده

پیش نهاد کرده اند در عوض ملل متنوعه نوشته شود ایرانی غیر مسلم .

حاج آقا اسمعیل - توضیح بدهم؟
رئیس - در شور اول در پیشنهاد مذاکره نمی شود -

ماده هفت .
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۷- هر يك از انتخاب کنندگان

زیاده بربك مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم

شود - دادن رأی مخفی خواهد بود
(د)

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

بعضی از نمایندگان - تنفس بدهید .

رئیس - آقایان تنفس میخواهند؟

جمعی از نمایندگان - بلی .

(در این موقع جلسه برای تنفس

تعطیل دیگر تشکیل نکردند)

رئیس مجلس شورای ملی

موتمن الملك

منشی علی اقبال المالك

منشی معظم الساطان

جلسه سی و هشتم

صورت عاشر و شش مجلس

یوم شنبه بیستم جدی

هزار و سیصد و سه

مطابق چهاردهم

شهر جمادی الثانیه

هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت و ربع قبل

از ظهر بریاست آقای

مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم

پنجشنبه هیجدهم جدی

را آقای آقا میرزا جواد

خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای سلطان العلماء

(اجازه)

سلطان العلماء - بنده بریروز

نیم ساعت قبل از وقت حاضر بودم مع هذا

بنده را جزو دیر آمدگان بی اجازه

نوشته اند

رئیس - تحقیق میشود . آقای

مشیر معظم

(اجازه)

مشیر معظم - بنده قبل از دستور

عرضی دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - در مسئله تأکید

در آوردن بودجه سال آتی در جلسه قبل

بنده اظهاراتی کردم و در صورت مجلس

نوشته نشده چون این موضوع اهمیت

داشت استدعا می کنم مقرر فرمائید نوشته

شود .

رئیس - اضافه می شود

آقای امیر احتشام (اجازه)

امیر احتشام - آقای آقا میرزاید الله

خان از مقام محترم اجازه خواسته بودند ولی

در صورت مجلس ایشان را غائب بی اجازه

نوشته اند

رئیس - این هم تحقیق می شود .

دیگر ایرادی نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای مشیر معظم

(اجازه)